

معرفی و بررسی کتاب

کیانیان

مجموعه ایران‌شناسی
تیر ماه امسان پادشاه

کیانیان

البی
کیانیان
اسلام‌نامه، داشک، کیانیان
زیارت
دکتر دیمیانه صفا
اسلام‌نامه، داشک، کیانیان



«به بهانه درس جدید
«پیشدادیان و کیانیان»
در دوره کارشناسی رشته تاریخ»

● مصطفی ندیم

کریستین سن در مورد شخصیت ویشناس می‌پردازد. به نظر این دو نویسنده ویشناس یا گشتاسب یعنی نخستین فرماتروایی که دین بهی را پذیرفته و از زرتشت حمایت کرد همان ویشناس، پدر داریوش هخامنشی است. در صورت قبول این نظریه در مورد مذهب هخامنشیان و ارتباط هخامنشیان با حمامه‌های ملی، نتایج و حساس و گمانهایی به وجود می‌آید که مورخین عصر باستان را با تضادها و اختلافات وقایع و حوادث تاریخی آن عهد دچار می‌سازد.

که اینجا مجال بحث در این باره نیست.

شاید بعضی از خوانندگان گرامی با نظریه هرتل و هرتسفلد موافق باشند، اما نگارنده در این باب با نظریه کریستین سن همسو هستم.

هرتسفلد در اثر خود «باستانشناسی ایران» فرماتروایان کیانی را با پادشاهان ماد و کوروش تطبیق می‌کند و پایه این نظریه از یکی دانستن ویشناس ب حامی زرتشت و ویشناس پدر داریوش اخذ می‌شود چراکه هرتسفلد ایالت پرثوه را شامل زرنگ (سیستان) دانسته که زرتشت در آن جا به تبلیغ دین خود پرداخته است و ویشناس ساتراپ پرثوه با پسرش اسفندیار (سپتیورات) به حمایت از دین وی پرداختند و چون پسر ویشناس شاه شد لقب داریوش (داری و هوش) را برگزید.

کریستین سن پس از بیان مختصر نظرات هرتسفلد به نقد آن پرداخته است. وی نیز همچون هرتسفلد آین زرتشتی را در مشرق ایران جست و جو می‌کند اما به تأکید و تکیه هرتسفلد بر سیستان به عنوان محل نشر آین زرتشتی معتبر است چراکه تقدس هامون در تفكرات ایرانیان به قبل از عهد زرتشتی می‌رسد و بالاخره کریستین سن به حق به این نتیجه می‌رسد که باید گفت آین زرتشتی در نواحی شرقی ایران ظهور کرد و نه صرفاً سیستان.

نویسنده سپس در نقد نظریه هرتسفلد در مورد محل تولید زرتشت که وی آن را رگه (ردی) می‌داند حدس و گمانی را مطرح می‌کند که کمتر نویسنده‌ای به این نکته طرفی توجه کرده است:

«باید به این نکته توجه داشت که علت انتساب زرتشت به ماد که در متون قدیم ایران تأیید نشده، انست که احتمالاً بین روایت قدیم ایران شرقی مربوط به زرتشت و روایتی که بعد از زرتشتی می‌رسد از انتقال مرکز آین زرتشتی از مشرق به ماد شیوع یافته بود. در این مورد سازش ایجاد شده است».^۱

که باید گفت در تاریخ ایران باستان، نویسنده‌گان و روایان روایات ملی و دینی به ویژه در عهد ساسانیان و بعد مورخین مسلمان به کرات به این گونه تطبیق‌های زمانی و مکانی و جلو و عقب بردن زمان و قایع برای سیاست‌های مذهبی خود دست زدند.^۲

در مورد زبان اوستا می‌دانیم که زبان اوستای قدیم باید یکی از لهجه‌های شرقی ایران باشد. هرتسفلد که نمی‌تواند زبان شرقی اوستا را درکند مدعیست که نویسنده «یشت‌لاهم، اگرچه از نواحی غربی سخن نگفته است اما آنها را می‌شناخته و به این طریق باز برآنست که شرق ایران (مهد زرتشتی گری) را با غرب هخامنشی تطبیق کند. همچنین هرتسفلد برای تأیید نظر خود از گفته‌های مورخین یونانی استفاده کرده است. کریستین سن در پاسخ گفته نخست چنین می‌گوید: «اگرچه اسمی جترافایی که در این «یشت» ذکر شده بدون شک اسمی هخامنشی است، اما باید آنها را در درجه اول متعلق به ایران شرقی دانست زیرا در تشکیلات اداری هخامنشی به طور عموم هر ناحیه به اسم بومی آن ذکر می‌شده است».^۳

در رد دلیل دیگر هرتسفلد، کریستین سن شباخت اسامی را هیچگاه دلیل کافی برای اثبات وجودت دو یا

آرتد کریستین سن ایران‌شناس و محقق مشهور دانمارکی در سال ۱۸۷۵ میلادی تولد یافته و در سال ۱۹۴۵ درگذشت. او در دوران تحصیل از اساتید بزرگ چون وسترگارد، شرق‌شناس دانشمند دانمارکی و آندره آس، مستشرق بزرگ المانی بهره‌های علمی فراوانی کسب کرد. وی پس از کسب اطلاعات کافی و آشنایی با زبان‌های اوستایی، فارسی میانه، عربی و فارسی در مورد تاریخ و فرهنگ ایران به ویژه ایران پیش از اسلام به تحقیقات عمیق و دقیق دست زد. اکثر آثار اصلی او به زبان فارسی ترجمه شده است از جمله کتب با ارزش «ایران در زمان ساسانیان»، «نخستین انسان نخستین شهریار»، «مزدادرستی در ایران قدیم» و «کیانیان».

کتاب با ارزش کیانیان، خامه دانشمند فقید دانمارکی توسط استاد ذیبح!^۱ صفا ترجمه شده است. نویسنده در پنج فصل مطالب خود را عرضه داشته است. نگارنده از چاپ چهارم این کتاب که در سال ۱۳۵۵ به طبع رسیده، استفاده کرده است. این اثر توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در ۲۴۲ صفحه با مقدمه مترجم و فهرست اعلام با جلد کالینگور عرضه شده است که در اینجا به معرفی و بررسی بخش‌های مختلف کتاب و نظرات نویسنده می‌پردازیم:

در فصل نخست نویسنده عنوان «کیان و هخامنشیان = طرح مسائل» را برگزیده است.

کریستین سن در این فصل طرح مسئله را بسیار دقیق و مستدل بیان می‌دارد. طرح سوالات اساسی که مدت‌ها ذهن بسیاری از محققین را به خود مشغول کرده و هنوز هم برای بعضی بحث برانگیز است، مدخلی به موضوع اصلی به صورتی کلاسیک و سؤال برانگیز از شیوه‌های هنرمندانه کریستین سن برای ورود به بحث اصلی است که همه در فصل نخست مطرح شده است.

در واقع اگرچه فصل نخست تنها ۱۰ صفحه را دربرمی‌گیرد اما مؤلف بخرايانه تمامی نکات و نظرات اصلی خود را بیان داشته است. کریستین سن زمانی این کتاب را تألیف کرد (۱۹۳۱) که در اروپا نظرات هرتل و هرتسفلد طرفدارانی یافته بود و «کیانیان» کریستین سن پاسخ قوی و مستدلی بر نظرات تعصب‌آمیز و افراط‌گونه این دو محقق بود و از علل عدم اهمیت تألیف این

کتاب در آن زمان این بود که با نشر این اثر تحقیقات مربوط به حمامه‌های ملی ایران، تاریخ ملی در متون دینی و ارتباط حمامه‌های ملی ایران با تاریخ باستان وارد مرحله جدیدی شد.

کریستین سن ابتدا به نقد و رد نظریه هرتل و هرتسفلد در مورد شخصیت ویشناس می‌پردازد. به نظر این دو نویسنده ویشناس یا گشتاسب یعنی نخستین فرماتروایی که دین بهی را پذیرفته و از زرتشت حمایت کرد همان ویشناس، پدر داریوش هخامنشی است. در صورت قبول این نظریه در مورد مذهب هخامنشیان و ارتباط هخامنشیان با حمامه‌های ملی، نتایج و حساس و گمانهایی به وجود می‌آید که مورخین عصر باستان را با تضادها و اختلافات وقایع و حوادث تاریخی آن عهد دچار می‌سازد.

چند نفر نمی‌داند که گفته درستی است.^۴

در همین فصل نخست کریستین سن نظر اصلی خود را بیان می‌دارد که «کویان یشت‌ها» همان سلسله کیانی روزگاران بعد است که در کتب مورخین ایرانی از آن یاد شده است و این سلسله قبل از هخامنشیان حکومت کرده‌اند.

در فصول بعد نویسنده با استفاده از متون کهن به بحث در مورد ویژگی‌های شخصیت‌های این سلسله می‌پردازد. ابتدا کیانیان در «گاهان» و «یشت‌ها» و سپس در روایات دینی و ملی که در اینجا به بررسی این قسمت‌ها می‌پردازیم:

در فصل دوم یعنی «کیان در گاهان (گاهان) و یشت‌ها» به ریشه‌یابی کلمه «کوی» در گاهان می‌پردازد. کریستین سن قبل از نیز در آثارش به تنظیم زمانی (زمان نگارش) یشت‌ها پرداخته است. در این فصل تیز وی قبل از ورود به یشت‌ها مجددًا این تنظیم زمانی را با دقت بیشتری طرح می‌کند.^۵

نویسنده از نخستین محققانی است که با دلایل کافی موضوع اکثر بخش‌های یشت‌ها را متعلق به دوره هخامنشی از زمان‌های مختلفی بوده و عموماً تاریخ آنها از دوره هخامنشی تا آغاز دوره اشکانی است را به «اضافات کهن زرتشتی» و قسمت‌هایی که احتمالاً در دوره اشکانی و ساسانی انشاء شده است را به «اضافات جدید» تعبیر کرده است سپس تمامی یشت‌ها را مورد بررسی قرار داده قسمت‌های مختلف آن یعنی بازمانده‌های یشت اصلی و اضافات کهن و جدید را بیان داشته است.

اینک نویسنده به بررسی کویان در یشت‌ها می‌پردازد. ابتدا کویان در یشت‌های ابتدایی غیرزرتشتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در یشت سیزدهم (فروردين یشت) که موضوع آن از قدیمی ترین قسمت‌های اوستا است صورت نخستین شاهان به دست می‌آید. یه یا یمه نخستین انسان هند و ایرانی آغازگر نام این شاهان است. اما در یشت‌های مقدم قبل از یمه، هوشگ و همودت نیز پادشاهی کرده‌اند و بالاخره نام دیگر شاهانی که عنوان کوی دارند در یشت سیزدهم و یشت نوزدهم آمده است و اینها همان کیانیان هستند که با کوی هژرسه (کی خرسو) دوره پادشاهان ما قبل زرتشت به پایان می‌رسد. نام یشت‌تاب خارج از این سلسله نام هفتگانه آمده است.

کریستین سن در ادامه با استفاده از بندهای مختلف یشت‌های معرفی شاهان کوی، اعمال پهلوانی ویژگی‌ها و سرنوشت آنها می‌پردازد. همچنین نویسنده در همین فصل به بررسی جایگاه کوی یشت‌تاب و خانواده او در یشت‌های پرداخته، با استفاده از یشت پنجم به این نتیجه می‌رسد که یشت‌تاب از خاندان نتوء است اما چون در یشت سیزدهم این انتساب رد می‌شود نهایتاً به این گفته بسته می‌کند که:

«برای من اخذ تصمیم در این مسائل دشوار است»^۶
با اینحال در همین جا نیز بر نظرات هرتل و هرتسفلد تاخته و انتساب ویشت‌تاب با داریوش را رد می‌کند چرا که هرتل و هرتسفلد معتقدند ویشت‌تاب از نتویریان است و نتوتر یعنی شعبه کوچک و منظور از آن اینست که ویشت‌تاب پدر داریوش شعبه کوچک خاندان هخامنشی است.^۷

اوج تحقیقات و نتایج در خور تعمق کریستین سن در مورد کیانیان در بخش پنجم، فصل دوم با عنوان «ایا دوره کیان اساطیری است یا تاریخی» نمایان می‌شود. نویسنده در این بخش به حق از عهده ادای مطلب برآمده است. به اعتقاد او در تاریخی بودن شخصیت گشت‌تاب شکی نیست و وجود عناصر افسانه‌ای در اطراف زندگی و اعمال گشت‌تاب دلیلی بر داده تاریخی بودن وی نیست.

در مورد پادشاهان مقدم بر گشت‌تاب و پادشاهی اوی، کریستین سن با دلایل کافی به این نتایج جالب می‌رسد.

۱- کوی‌ها افرادی کاملاً ایرانی هستند
۲- از مطالب اوستا چنین بر می‌آید که بین سلطنت هنوسروه (کی خرسو) و یشت‌تاب یک دوره سلطنت غیر مشخص وجود دارد.

۳- در سرزمینهای شرقی ایران قبایل آریانی که از شمال می‌آمدند، حکومت‌هایی تشکیل دادند که پادشاهان آنان عنوان کوی داشتند یعنی این اصطلاح ویژه شاهان حاکم بر مناطقی از شرق ایران است.

۴- بعد از کیخسرو دوره عظمت کیانیان به پایان رسید و از این به بعد سرزمین‌های شرقی تحت اطاعت شاهان کوچکی درآمد که یکی از آنها یشت‌تاب بود.

۵- دوره ورود ایران شرقی در قلمرو حکومت هخامنشیان منسوب داشت.

۶- دوره بعد از کوی یشت‌تاب و زرتشت عهد احاطاط سیاسی و پرهم خوردن تشکیلات سلطنتی کیانیان بوده است و به تابعیت دولت هخامنشی درآمدند.

فصل سوم کتاب کیانیان به بررسی روایات دینی و ملی اختصاص دارد. کریستین سن برآنست که پس از تفصیل این روایات جایگاه کیانیان در آنها معلوم دارد. در مورد روایات دینی وی به تشریح اوستای دوره ساسانی می‌پردازد و پس از آن بیشترین تأکید وی بر متابع دینی دوره ساسانی یعنی کتاب زند و متون پهلوی معطوف می‌شود نویسنده سپس به روایات ملی توجه کرده و تدوین این مذهبی -ملی پادشاهان ساسانی می‌داند.

اگرچه قبل از کریستین سن، تقدور نولدک در اثر با ارزش خود «حمسه ملی ایران» به روایات ملی و تدوین آنها در دوره ساسانی و پس از اسلام پرداخته است^۸ اما توجه کریستین سن عمیق‌تر و در عین اختصار، مستدل‌تر است.

وی به تفاوت میان روایات دینی و ملی اشاره کرده در این مورد برای نمونه مثالهایی می‌آورد چنانکه کیورث در روایات دینی نخستین بشر و در روایات ملی نخستین پادشاه است؛^۹ یا جنگ فریدون با دیوان

در کتاب واقعاً جای بررسی مذهب و اعتقادات شاهان کیانی و استنتاج و استباط نویسنده خالی است و جا داشت کریستین سن در این مورد نیز مطلبی ارائه می‌داد به عنوان مثال وقتی سخن از خاندان گشت‌تاب می‌کند در حالیکه لقب «نتوری» او اکتفا می‌کند در حالیکه با استناد به متون اوستایی، بویژه «فوردین یشت» و مقایسه با متون دیگر می‌توان مذهب و اعتقادات خاندان نتویری را تا اندازه زیادی معلوم کرد.

نویسنده از نخستین محققانی است که با دلایل کافی موضوع اکثر بخش‌های یشت‌ها را متعلق به دوره هخامنشی از زمان‌های مختلفی بوده و عموماً تاریخ آنها از دوره هخامنشی تا آغاز دوره اشکانی است را به «اضافات کهن زرتشتی» و قسمت‌هایی که احتمالاً در دوره اشکانی و ساسانی انشاء شده است را به «اضافات جدید» تعبیر کرده است سپس تمامی یشت‌ها را مورد بررسی قرار داده قسمت‌های مختلف آن یعنی بازمانده‌های یشت اصلی و اضافات کهن و جدید را بیان داشته است.

تاریخی که بجای مانده بود سعی شد که حوادث بین سلطنت گشتنی و پایان شاهنشاهی قدیم ایران تنظیم گردد پس نسبت سلاطین ساسانی را به پادشاهان کیانی ارتباط دادند.

سپس نویسنده با نقل از کتاب بندeshen مدت سلطنت پادشاهان ایران از گشتنی تا اسکندر را بیان می‌دارد. در این فصل که تنها نه صفحه را در برمی‌گیرد ابتدا از همان دختر بهمن و حوادث دوره سلطنت او، دارای اول یا داراب و سپس دارای دوم سخن به میان آمده است.

سasan پسر بهمن پس از وی به سلطنت نرسید بلکه دختر بهمن به نام حمای پادشاه شد و این سasan نیای خاندان ساسانی شد.

آخرین بند کتاب کریستین سن مجدداً بیان جدائی روایات مربوط به کیانیان و کل‌تاریخ کیانیان با هخامنشیان است و ردی بر نظریه هرتل و هرتسفلد.

«در تمام این اخبار و احادیث که مؤلفان دانستند به یاری منابع یهودی و یونانی بیدی آورده و مورخان و شاعران آنها را با انسان مطالب داستانی توسعه بخشیده‌اند، به هیچ روی از یک روایت صحیح ایرانی راجع به هخامنشیان اتری مشهود نیست.»^{۱۵}

در خاتمه کتاب نویسنده، جاویدانان اساطیر زرتشتی را در منابع پهلوی بازگو کرده است. اثر کریستین سن در مورد تاریخ کیانیان کتابی بسیار مفید و عالمانه است، با این حال دارای کاستی‌هایی می‌باشد که صد البته این کاستی‌ها هرگز از ارزش کتاب نمی‌کاهد. در اینجا به این موارد می‌پردازیم:

۱- از نکات مهم در مورد کیانیان که جای بحث زیادی را طلب می‌کند مذهب آنهاست. دانستیم کیانیان قبل از

زرتشت بوده‌اند حال مذهب آنها چه بوده است؟ در کتاب واقعاً جای برسی مذهب و اعتقادات شاهان کیانی و استنتاج و استباط نویسنده خالیست و جاداشت کریستین سن در این مورد نیز مطلبی از اینه می‌داد به عنوان مثال وقتی سخن از خاندان گشتنی می‌کند تنها به لقب «نفوتنی» او اکتفا می‌کند در حالیکه با استفاده از متون اوستایی به ویژه «فروردنی یشت» و مقایسه با متون دیگر می‌توان مذهب و اعتقادات خاندان نفوتنی را تا اندازه زیادی معلوم کرد.^{۱۶}

۲- کتاب از لحاظ روش تحقیق بسیار علمی است و پیگیری شخصیت‌های سلسله کیانیان از ابتدای کتاب تا پایان بسیار منظم و منطقی است و در بعضی موارد نویسنده به تحلیل برخی حوادث پرداخته است اما این تحلیل‌ها بیشتر جنبه مقایسه‌ای داشته و از لحاظ تائیر آن بر فرهنگ یا مذهب قبل از زرتشت و سپس دین زرتشت بسیار کمرنگ است و در واقع از نویسنده با قابلیت‌هایی که در او سراغ داریم تحلیل‌های عمیق‌تری انتظار می‌رود.

۳- در شاهراه گرشاسب با رستم نویسنده می‌گوید: «در جنگ میان رستم و اسفندیار سخن از اختلاف دینی آندو تن نیست و در منابعی که این داستان را به تفصیل نقل کرده‌اند، به این موضوع اشاره‌های نشده است مگر دینوری که به این نکته اشاره‌ای دارد و اگر

اوج تحقیقات و نتایج در خور تعمق کریستین سن در مورد کیانیان در بخش پنجم، فصل دوم با عنوان «آیا دوره کیانیان اساطیری است یا تاریخی» نمایان می‌شود.

به اعتقاد وی در تاریخی بودن شخصیت گشتنی شکی نیست و وجود عناصر افسانه‌ای در اطراف زندگی و اعمال گشتنی دلیلی بر رد تاریخی بودن وی نیست.

مازندران که در روایات ملی اتری از آن دیده نمی‌شود.^{۱۷} از جمله منابع بسیار با ارزش پهلوی که در مورد اساطیر و تاریخ داستانی زرتشتیان از خلقت تا روز «تن پسین» به بیان اعتقادات زرتشتیان پرداخته است، بندeshen می‌باشد که در بخش دوم فصل سوم، نویسنده به برسی و تفضیل قسمت‌های مختلف این کتاب و جایگاه آن در بیان روایات دینی و ملی می‌پردازد.^{۱۸} عنوان فصل چهارم «کیانیان در روایات دینی» است. در این فصل نویسنده به برسی شخصیت، اعمال و فرجام شاهان کیانی در متون دینی می‌پردازد. منبع مورد استفاده نویسنده بیشتر دو کتاب «دینکرد» و نسخه ایرانی «بندهشن» است. کریستین سن غیر از نقل روایات در جای جای به تحلیل مطالب پرداخته بعضی از افسانه‌ها را با توشته‌های مورخین یوفانی مقایسه می‌کند.

آوردن نسبت‌نامه کیانیان بنابر نسخه ایرانی بندeshen، زندگی کی کواز (کیجاد) و بیان افسانه مربوط به بزرگ شدن وی توسط آخرین شاه پیشدادی و تحلیل آن، زندگی کی اپیوه و افسانه مربوط به زندگی وی، زندگی کی اوس (کیکاووس)، پادشاهی وی بر هفت کشور، بنای هفت کاخ در البرز توسط وی، بیان نابخردی‌های کاوس، زندگی سیاوش، ساختن «کنگ دز» و توصیف این دز، شخصیت افراسیاب، پلشی و زشت‌کاری‌های وی، شخصیت و زندگی کیخرو، ویران کردن بخته‌نشرکان و مقام والای او در روزن پسین، نهراسب، ویران کردن بیت المقدس توسط وی که از زرتشت، جنگ وی با «کویان و کرپنان» رشادت خویشان و نزدیکان وی و بالاخره داستان گشاسب که اگرچه با کیانیان هیچ نسبتی ندارد اما نویسنده به حق به خاطر اهمیت شخصیت و اعمال گرشاسب و ارتباط با کیانیان روایات مربوط به او را بیان داشته است. این مطالب همه فصل چهارم را در بردازند و در پایان نویسنده به چند نتیجه جالب دست یافته است از جمله: ۱- در متون دینی به رابطه کیانیان با دین مزدیستا بازها اشاره شده است و این امر ناشی از ناحیه روحانیون زرتشتی بوده است تا مذهب زرتشت را به زمان‌های کهنه‌تری نسبت دهدند. از جمله استقرار سه آتش مقدس بوسیله کیخسو و گشاسب

۲- استفاده از افسانه‌های مشترک در بین ملل یا ملل دیگر در مورد کیانیان از جمله داستان کی کوات که او را سر راه گذاشتند.

یا استفاده از روایات یهودی در جریان همکاری نهراسب و بوکدرس در حمله به بیت المقدس در فصل پنجم نویسنده به موضوع کیانیان در روایات ملی می‌پردازد. این فصل با این جمله آغاز می‌گردد.

«در شاهنامه فردوسی تاریخ کیانیان تقریباً ۲۷۰۰ بیت را شامل است.^{۱۹} غیر از شاهنامه نویسنده، از توشته‌های مورخین عرب همچون امینه‌نی، مسعودی، ابن بلخی، طبری، دینوری و به ویژه پرونی نیز استفاده کرده است و سپس به ذکر نام روایات ملی ایرانیان با استناد به اطلاعات اندک شخصیت و اعمال شاهان کیانی پرداخته است. دوره

واقع‌آ در روایت ملی ایرانی داستان مذکور مبتنی بر مبارزه‌بین دینی میان طریقه جدید و آئین قدیم ایرانی بود، مسلماً از ذکر چنین مطلب اساسی مهمی در آنها غفلت نمی‌شد.^{۱۷}

در صورتی که چنین نیست، نبودن داستانی مبنی بر اختلاف دینی دلیلی برخیزد این اختلاف نیست، جنگ بین رستم و اسفندیار در حمامه ملی مطرح می‌شود نه در اسطوره ایران، و فردوسی با استفاده از متون کهن (به صورت مستقیم یا غیر مستقیم)^{۱۸} و روایات شفاهی اثر سترگ خود را خلق می‌کند. در حمامه‌ها توالی رویدادها و حادث لزوماً منطقی نیستند و می‌بینیم که بنابر شواهد تاریخی و اساطیری بین رستم و اسفندیار حداقل پانصد سال فاصله زمانی وجود دارد پس چرا این دو تن در حمامه ملی ایران با یکدیگر به نبرد پرداختند. این ویژگی حمامه است که وقایع سیاسی - اجتماعی را در قالب نبرد انسان‌ها با یکدیگر یا با طبیعت و یا با پلیدی‌ها به زیباترین وجه نمایان می‌سازد. اگر چه اکثر براند که این نبرد، نبرد سیاسی - اجتماعی بین دو طبقه قدرتمند آن زمان بوده است با اینحال نمی‌توان اختلاف دینی بین رستم غیر زرتشتی و مهر پرست را با اسفندیار که نماد مذهب زرتشتی است نادیده گرفت.^{۱۹}

۴- بهتر آن بود که نویسنده شرح حال بهمن را در فصل ششم همراه با جانشینان بهمن می‌آورد.

۵- در فصل ششم نویسنده از اسکندر بسیار سریع گذشته است و از دو شخصیت متصادمی در حمامه ملی یعنی اسکندر مقدس گونه و اسکندر گجستک سخن به میان نیاورده است.

۶- کریستین سن نشان می‌دهد که سلسله نسب بهمن در روایات ملی به ساسانیان می‌رسد اما در این میان از اینکه چرا از اشکانیان در روایات ملی سخن به میان نیامده هیچ نمی‌گوید.

در مورد ترجمه اثر باید گفت با اینکه بیش از چهل سال از ترجمه کتاب می‌گذرد، توانایی و تسلط مترجم چنان بوده که اینک نیز خواننده برای درک مطلب کمتر دچار مشکل می‌شود. رسم الخط مورد استفاده مترجم نیز غیر از تغییرات ویرایشی که نسبت به چهل سال پیش صورت پذیرفته است، جز در موارد بسیار همچون «بهخامنشیان» از رسم الخط صحیحی برخوردار است و بجاست که به اهمیت کار مترجم در انتقال مطالب کتاب ارج نهاد.

در پایان در صورت مطالعه کتاب با ارزش کیانیان و منابع دیگری که مربوط به شرق ایران است چه اساطیر ایران و چه حمامه‌های ایرانی (شاہنامه فردوسی، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، بهمن‌نامه و...) و چه کتب تاریخی همچون تاریخ سیستان این سوال در ذهن خواننده بوجود می‌آید که آیا به شرق ایران به ویژه در دوره باستان در تاریخ ایران کم توجهی نشده است؟

آیا همان گونه که ساسانیان در ضدیت با اشکانیان به محو آنان در تاریخ پرداختند، هخامنشیان نیز به دلایل مختلف سیاسی - مذهبی در صدد محو تاریخ کهن و سترگ شرق برخیزند؟

آیا تاریخ نویسی اواخر دوره قاجاریه که سریسی سایک و افرادی چون او بازگو کننده تاریخ بودند بنا به

◀ کریستین سن زمانی این کتاب را تألیف کرد (۱۹۳۱) که در اروپا نظرات "هرتل" و "هرتسفلد" طرفدارانی یافته بود و "کیانیان" کریستین سن پاسخ قوی و مستدلی بر نظرات تعصب‌آمیز و افراط گونه این دو محقق بود و از علل عمده اهمیت تألیف این کتاب آن بود که با نشر این اثر تحقیقات مربوط به حمامه‌های ملی ایران، تاریخ ملی در متون دینی و ارتباط حمامه‌های ملی ایران با تاریخ باستان وارد مرحله جدیدی شد.

منافع و مصالح سیاسی - اقتصادی به محو تاریخ شرق پرداختند؟ و آیا این سنت توسط مورخین دوره بعدی ادامه نیافت.

آنچه مسلم است اینکه در شرق از قدیمی ترین تمدن‌های شناخته شده در ایران در شهر سوخته که قدمتی حدوده هزار سال دارد تا اکاری چون کوه خواجه و آثار دیگر و ادب شفاهی به ویژه در حمامه‌های ملی می‌توان عظمت شرق را مشاهده کرد.

پانوشت‌ها:

۱- کریستین سن، آرتور، کیانیان، ترجمه دکتر ذبیح‌الله صفا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۵

۲- از جمله نادیده گرفتن تاریخ اشکانیان توسط ساسانیان که بازتاب آن در حمامه ملی ایران کامل‌نمایان است چنانکه فردوسی می‌گوید

از ایشان به جز نام نشیده ام
نه در نامه خسروان دیده ام

و یا گفته‌های بسیاری از مورخین مسلمان که شخصیت‌های اساطیری و یا مربوط به ایران باستان را با پیامبران همزمان و در مواردی یکی می‌دانند.

۳- کیانیان، صفحه ۶

۴- تنها بر اساس شباهت اسامی و سپس بعضی کردارها برخی از محققین به نتایج بسیار عجیب و مهجوز از ذهن دست یافته‌اند چنانکه به عنوان مثال کویاچی محقق قفید هندی ازی‌دهاک را همان آستیاگ اخرين شاه ماد می‌داند. (آئین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان، کویاچی، ترجمه جلیل دوستخواه، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم (۱۳۶۲) صص ۱۹۷-۱۷۱ در این مورد نمونه فراوان است.

۵- کریستین سن در یکی از رسالات خود به نام «تحقیقات در باب کیش زرتشتی ایران باستانی» در مورد قسمت‌های مختلف اوستا و زمان تالیف و دیگر ویژگی‌های ان سخن گفته است. این رساله به اضافه رساله «ملاخطاتی درباره قدیمی ترین عمود آئین زرتشتی» در یک کتاب تحت عنوان «مزدا پرستی در ایران قدیم» ترجمه دکتر صفا به چاپ رسیده است که خوشبختانه اخیراً این کتاب پس از سالها مجدداً چاپ شده است.

- ۶- غیر از کریستین سن، محققین دیگری نیز با تفاصیل بیشتر بر این اعتقادند برای نمونه به بخش سوم «دين اجتماعی ایران باستان: انجمن میثرا» کتاب دین‌های ایران باستان نوشته نیبرگ ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، نشر مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، تهران: ۱۳۵۹ یا فصل دوم از بخش اول کتاب تاریخ کیش زرتشت نوشته مروی پوس ترجمه همایون صنتی‌زاده نشر توس، تهران: ۱۳۷۴ تحت عنوان «ایران ایرانیان کافر» مراجعة نمائید.
- ۷- کیانیان، ص ۴۰
- ۸- به نظر نگارنده بهترین تعبیر و عنوان برای هرتسفلد که نظراتش با تعصب و افراط امیخته است گفته نیبرگ می‌باشد. نیبرگ می‌گوید که سرتا پای وجود هرتسفلد را یک «جهان بینی اریایی» شخصی فراگرفته است (دین‌های ایران باستان «سخنی درباره چاپ دوم» ص ۸). در مورد عقايد هرتل و هرتسفلد باید زمان زندگی آنها و تعلیمات ایشان به نظام‌های حاکم آن زمان را در نظر گرفت.
- ۹- لطفاً به کتاب حمامه ملی ایران نوشته تندورنوازکه، ترجمه بزرگ علوی، مرکز نشر سپهر، چاپ سوم، ۱۳۵۷، صص ۲۴-۲۶ مراجعة فرمائید.
- ۱۰- کیانیان، ص ۶۶
- ۱۱- کیانیان، ص ۶۸
- ۱۲- برای اطلاع بیشتر از محتوای کتاب بندشن به کتاب «بندشن (فتحن دادگی)»، گزارنده دکتر مهرداد بهار، انتشارات توos، چاپ اول، ۱۳۶۹ و یا به کتاب با ارزش «پژوهشی در اساطیر ایران» پاره نخست، نوشته زنده یاد دکتر مهرداد بهار، انتشارات آگه، تهران: ۱۳۷۵ مراجعة نمائید.
- ۱۳- کیانیان، ص ۶۸
- ۱۴- برای اطلاع بیشتر در مورد شخصیت گرشاسب رگ مصطفی ندیم «گرشاسب در پویه ادب فارسی» اسطوره و حمامه، انتشارات ایما، شیراز: ۱۳۷۶
- ۱۵- کیانیان، ص ۲۱۸
- ۱۶- نیبرگ در این مورد تحقیق مبسوطی کرده است. لطفاً به کتاب «دين‌های ایران باستان» صفحات ۲۹۲ تا ۲۹۸ مراجعة فرمائید.
- ۱۷- کیانیان، ص ۱۹۶-۷
- ۱۸- در این مورد که آیا فردوسی از متون کهن که بیشتر منظور متون پهلوی است شخصاً استفاده کرده یا خبر به مقاله نگارنده تحت عنوان «مقایسه متون پهلوی گزارش شترنگ و نوین‌شیر با داستان شطرنج در شاهنامه فردوسی» در مجموعه مقالات دوین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی به کوشش دکتر سیدعلی میر عتمادی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، سال ۱۳۷۳ صفحات ۴۸۱ تا ۴۹۵ مراجعة فرمائید.
- ۱۹- برای اطلاع بیشتر در مورد نیبرگی‌های حمامه به کتاب بالارزش حمامه در روز و راز ملی، نوشته محمد مختاری نشر قطره ۱۳۶۸ مراجعة فرمائید همچنین برای تحلیل مبارزه رستم با اسفندیار به کتاب پیامار با ارزش «اساطیر ایران» نوشته زنده یاد دکتر مهرداد بهار صفحه ۵۸-۶۱ و کتاب «در پیرامون رستم و اسفندیار» مقالاتی از شمسی، عابدیان و کزا زی انتشارات جهاد دانشگاهی ۱۳۶۹ مراجعة فرمائید.
- ۲۰- کیانیان، ص ۲۱۸